

گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیهم السلام -
محمد‌هادی قهاری کرمانی
علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۲۶-۱۴۹

گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیهم السلام

محمد‌هادی قهاری کرمانی*

چکیده: آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آنها استفاده می‌شود، دارای تأویل‌اند و بهترین راه دست‌یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام به عنوان عدل قرآن به شمار می‌روند. در بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به تأویل آیات قرآن پرداخته شده است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تفسیری سوره توبه چه نوع تأویلاتی نسبت به امام امیرالمؤمنین علیهم السلام صورت پذیرفته است؟ در این راستا، روایات تأویلی مرتبط با امام امیرالمؤمنین علیهم السلام از بین روایات تفسیری سوره توبه استخراج گردید و با روش توصیفی- تحلیلی مشخص شد که پنج نوع تأویل در این روایات درباره آن حضرت علیهم السلام وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصدق باطنی آیه، مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصدق اتم اطلاق یا عموم آیه و تحقق مفاد آیه.

کلیدواژه‌ها: روایت تفسیری؛ روایت تأویلی؛ انواع تأویل؛ امام امیرالمؤمنین علیهم السلام؛ سوره توبه.

طرح مسائله

ژرفای نهایت‌نایذیر قرآن، نخستین و اصلی‌ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل بیت علیهم السلام به عنوان بهترین راه، می‌توان آنها را استخراج نمود؛ زیرا این گرامیان طبق حدیث ثقلین، عدل قرآن به شمار می‌روند.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تفسیری سوره توبه چه نوع تأویلاتی در مورد امام امیرالمؤمنین علیه السلام صورت پذیرفته است؟ از آنجا که در بین روایات تفسیری سوره توبه، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته‌اند، در این پژوهش برآئیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی کنیم و بر اساس آن، انواع تأویل آیات سوره توبه بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام را کشف نماییم.

۱. تأویل در لغت

در کتب لغت چهار معنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف- مرجع و عاقبت امر؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۰؛ ازهري، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهري، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهاني، ۱۴۰۴: ص ۳۱) ب- سیاست و تدبیر کردن؛ (ر.ک: ازهري، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) ج- تفسیر کردن؛ (ر.ک: فراهیدی،

۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ از هری، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۵۸) ۵- برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیر ظاهر؛ (ابن‌اشر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰).

در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است. استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آن که معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آن که درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند پشت صحنه قضايا و عاقبت امور را می‌بیند و قضايا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معنای مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰). به دیگر سخن، تأویل گر با ملاحظه وجود متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است، انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنانکه برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد، با این بیان که معنای غیر ظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معنای کلام است.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن‌فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است (ر.ک: فیروزآبادی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹) قابل ملاحظه

باشد؛ زیرا ابن فارس در هیأت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند: اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است. (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸) از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو کنیم و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده را بشناسیم. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳)

نتیجه آن که معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲. انواع روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیهم السلام

همان‌طور که گفتیم در بین روایات تفسیری سوره توبه، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امام امیرالمؤمنین علیهم السلام تأویل کرده‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم.

۱-۲. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معانی، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یاری فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده، برآن دلالت دارد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ۸۷-۹۱) در برخی از روایات، ضمن پذیرفته شدن این که قرآن دارای بطن و بطون است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. امام باقر علیهم السلام فرمود: «ظهر قرآن، تنزيل آن و بطن قرآن، تأویل آن می‌باشد؛ بخشی از تأویل قرآن،

محقق شده و بخش دیگر آن، هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱)

همچنین در برخی روایات تصریح شده است که معنای باطنی آیه، تأویل آیه محسوب می‌گردد. مثلاً آیه ۳۰ سوره ملک در حدیث امام کاظم علیه السلام به امام عصر حاضر تأویل شده است. (صدقه، ۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶). مفاد ظاهری آیه مزبور به اهمیت نعمت آب در حیات مادی اشاره دارد، ولی در معنای باطنی، به نعمت حضور امام و حجت خدا که مایه حیات و طهارت معنوی بشر است، اشاره شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه روایاتی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را بر امام امیر المؤمنین علیه السلام تأویل نموده که در ادامه به نقل آنها می‌پردازیم.

یک: از امام باقر علیه السلام روایت شده که رسول خدا علیه السلام فرمود: «مَعَاشِرُ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِيمَانِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتِمْ بِهِ وَ يَمْنَ يَقُولُ مَقَامَةً مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ حَيْطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (ابن طاوس، ۱۴۱۳: ص ۵۸۴).

عبارت «أُولَئِكَ حَيْطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» در آیه ۱۷ توبه ظهور در حبظ و نابودی اعمال مشرکان دارد؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۱۴) اما در روایت یک و دو، بر حبظ اعمال منکران ولایت ائمه علیهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

دو: از رسول خدا علیه السلام روایت شده که فرمود: «مَعَاشِرُ النَّاسِ! هَذَا أَخْيَ وَ وَصِيَّ وَ وَاعِي عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى مَنْ آمِنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ رَبِّي. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عِنْدَ تَبَيَّنِ ذَلِكَ فِي عَلَى: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بِإِيمَانِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتِمْ بِهِ وَ يَمْنَ كَانَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى الْقِيَامَةِ، فَأُولَئِكَ حَيْطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (عاملی نباتی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۳۰۲) سه: از امام باقر علیه السلام درباره آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَنَحَّدُوا آبَاءُكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلَيَاءُ إِن-

اسْتَحْبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ (توبه: ٢٣) روایت شده که فرمود: «فَإِنَّ الْإِيمَانَ وَلَا يَهُ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ»
(ابن شهرآشوب، ١٣٧٩: ج ٣، ص ٩٤)

واژه «الإیمان» در روایت فوق، به ولایت امام علی^ع تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

چهار: از رسول خدا^ع روایت شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ نَظْرَةً، فَأَخْتَارَنِي مِنْهُمْ؛ ثُمَّ نَظَرَ ثَانِيَةً فَأَخْتَارَ عَلَيَّاً أَخْيَرَ وَزَبِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِبِّي وَخَلِيقِتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ مَنْ تَوَلَّهُ تَوَلَّى اللَّهُ وَمَنْ عَادَهُ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَ اللَّهَ. وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبَغِّضُ إِلَّا كَافِرٌ، وَهُوَ نُورُ الْأَرْضِ بَعْدِي وَرَكِنُهَا، وَهُوَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرُوهُ الْوُلُوعِي. ثُمَّ تَلَّ رَسُولُ اللَّهِ: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيُأْتِيَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُئْمِنَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهُ الْكَافِرُونَ» (هلالی، ١٤٠٥: ج ٢، ص ٨٥٧)

عبارت «نور الله» در آیه ٣٢ سوره توبه، در روایت چهار تا هفت، به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه^ع تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

پنج: از امام رضا^ع روایت شده که فرمود: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَهَدُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ، حِينَ قَبَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتَمَّ نُورُهُ؛ وَقَدْ جَهَدَ عَلَى بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ حِينَ مَضَى أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيَّاً، فَأَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتَمَّ نُورُهُ» (حمیری، ١٤١٣: ص ٣٤٧)

شش: از امام باقر^ع روایت شده که فرمود: «وَالنُّورُ وَلَا يَهُ عَلَىٰ؛ فَصَارُوا إِلَى الظُّلْمَةِ وَلَا يَهُ أَعْدَائِهِ، وَقَدْ نَزَلَ فِيهِمْ: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيُأْتِيَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُئْمِنَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهُ الْكَافِرُونَ» (ابن شهرآشوب، ١٣٧٩: ج ٣، ص ٨١)

هفت: از امام رضا^ع روایت شده که فرمود: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا وَلَا يَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِأَفْوَاهِهِمْ» (مجلسی، ١٤٠٣: ج ٣٥، ص ٣٩٦)

هشت: از امام رضا علیه السلام درباره آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحُقْقِ لِيُظَهِّرُ عَلَى الْدِينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳) روایت شده که فرمود: «هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ بِالْوَلَايَةِ لِوَصِيَّهِ، وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحُقْقِ، لِيُظَهِّرُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۸۲) عبارت «دین الحق» در آیه ۳۳ توبه، در روایت فوق، به ولایت امام علی علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

۲-۲. مصدق باطنی آیه

مراد از مصدق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. به عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام درباره آیه: وَ مَنْ أَخْيَاهَا فَكَانَمَا أَخْيَا النَّاسَ جَمِيعاً (ماهده: ۳۲) فرمود: «یعنی هرکس شخصی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد». آنگاه آن را تأویل اعظم آیه می‌داند. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۳۲) روشن است که این بیان، مصدق باطنی و تأویل اعظم آیه است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز مواردی از این مصادیق باطنی وجود دارد که بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل شده است که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم:

یک: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ (توبه: ۳) روایت شده که فرمود: «الْأَذَانُ اسْمُ تَحْلِمَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْهَا مِنَ السَّمَاءِ، لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَدَى عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ سُورَةَ بَرَاءَةَ، وَ قَدْ كَانَ بَعَثَ إِلَيْهَا أَبَّا بَكْرِيَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ حَبْرَيْلَ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَقَالَ: يَا حُمَدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ: لَا يَبْلُغُ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ. فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَأَنْتَدَ الصَّحِيقَةَ مِنْ أَبَيِّ بَكْرِيِّ وَ مَضَى إِلَيْهِ أَهْلِ مَكَّةَ. فَسَمَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى أَذَانًا مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ اسْمٌ تَحْلِمَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ لِعَلَيِّ عَلِيَّ عَلِيَّ» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲۹۸).

واژه «أذان» در آیه ۳ توبه، به معنای اعلام است؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۱۴۹) ولی در حدیث یک تا شش به امام علی علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق باطنی آیه به شمار می‌رود.

دو: از امام علی علیه السلام روایت شده که درباره آیه: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (توبه: ۳) فرمود: «أَنَا ذَلِكَ الْأَذَان» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۳۱)

سه: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «أَنَا الْمُؤَذِّنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: فَأَذَانَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَذِّنُ». وَ قَالَ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَأَنَا ذَلِكَ الْأَذَان» (صدق، ۱۴۰۳: ص ۵۹)

چهار: از امام سجاد علیه السلام درباره آیه: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (توبه: ۳) روایت شده که فرمود: «الاذان أمير المؤمنین علیه السلام» (عياشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۶)

پنج: از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: «إِنَّ لِعْلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلِيَّاً فِي كِتَابِ اللَّهِ اسْمًاٌ وَ لَكِنْ لَا يَعْرُفُونَهُ». قَالَ: فُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: أَمَّا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحِجَّةِ الْأَكْبَرِ؛ هُوَ وَ اللَّهُ كَانَ الْأَذَان» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۶۰)

شش: از رسول خدا علیه السلام روایت شده که خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: «وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحِجَّةِ الْأَكْبَرِ، فَكُنْتَ أَنْتَ الْمُبَكِّرُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ عَلِيَّاً» (صدق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۹)

هفت: در قرآن می فرماید: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ أَثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةُ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ (توبه: ۳۶) از امام باقر علیه السلام درباره تأویل آیه پرسیدند. حضرت فرمود: «أَنَّ السَّنَةَ فِيهِ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ عَلِيَّاً، وَ شُهُورُهَا أَثْنَا عَشَرَ شَهْرًا، فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ وَ إِلَى ابْنِي جَعْفَرٍ وَ ابْنِي مُوسَى وَ ابْنِي عَلَىٰ وَ ابْنِي مُحَمَّدٍ وَ ابْنِي الْحَسَنِ وَ إِلَى ابْنِي مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ، أَثْنَا عَشَرَ إِمَامًا حَحِيجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ أَمْنَاؤهُ عَلَىٰ وَحْيِهِ وَ عِلْمِهِ. وَ الْأَرْبَعَةُ حُرُمٌ الدِّينُ هُمُ الدِّينُ الْقَيْمُ؛ أَرْبَعَهُ مِنْهُمْ يَكُرُجُونَ بِاسْمِ وَاحِدٍ: عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبِي عَلَىٰ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنِ مُوسَى وَ عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ فَالْأُقْرَأُ بِهُؤُلَاءِ هُوَ الدِّينُ الْقَيْمُ، فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِمْ أَنْفُسَكُمْ؛ أَئِ قُولُوا بِهِمْ جَيِّعاً تَهْتُدُوا» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۴۹)

عبارت «اثنا عشر شهراً» در آیه مورد بحث، ظهور در ماههای سال دارد، ولی در

حدیث هفت تا نه به ائمه علیهم السلام تأویل شده است؛ همچنین عبارت «أَرْبَعَةُ حُرُمٌ» در آیه مورد بحث، ظهور در چهار ماه حرام دارد، ولی در این حدیث به چهار امام تأویل شده که نام علی دارند. لذا تأویل در این روایت، از نوع بیان مصدق باطنی آیه به شمار می‌رود.

هشت: از امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی ذیل آیه یادشده نام دوازده امام علیهم السلام را بر می‌شمرد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۸۸)

نه: امام باقر علیه السلام درباره همان آیه با توضیحی عقلی و استدلالی فرمود: «مَعْرِفَةُ الشَّهُورِ الْمُحَرَّمٍ وَ صَفَرٍ وَ رَبِيعٍ وَ مَا بَعْدَهُ، وَ الْحُرُمُ مِنْهَا وَ هِيَ جُمَادَى وَ دُوَالَّقْعَدَةُ وَ دُوالِحِجَّةُ وَ الْمُحَرَّمُ لَا يَكُونُ دِيَنًا قَيِّمًا؛ لِأَنَّ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسَ وَ سَائِرِ الْمِلَلِ وَ النَّاسُ جَمِيعًا مِنْ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ يَعْرُفُونَ هَذِهِ الشَّهُورَ وَ يَعْدُونَهَا بِأَسْمَائِهِمْ. وَ إِنَّمَا هُمُ الْأَئِمَّةُ الْفَوَّاقُونَ بِدِينِ اللَّهِ. وَ الْحُرُمُ مِنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي اشْتَقَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْعَلِيِّ، كَمَا اشْتَقَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْمُحَمَّدِ وَ ثَلَاثَةً مِنْ وُلْدِهِ أَسْمَاؤُهُمْ عَلَيَّ؛ عَلَيْهِ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ عَلَيْهِ بْنُ مُوسَى وَ عَلَيْهِ بْنُ مُحَمَّدٍ. فَصَارَ هَذَا الْإِسْمُ الْمُشْتَقُ مِنْ اسْمِ اللَّهِ تَعَالَى حُرُمَةٌ بِهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۸۶).

ده: در روایتی چنین آمده است: «أَرْبَعَةُ حُرُمٌ، عَلَيْهِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْقَائِمُ، بِدَلَالَةِ قَوْلِهِ: ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيَمُ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۴)

عبارت «أَرْبَعَةُ حُرُمٌ» در آیه مورد بحث، ظهور در چهار ماه حرام دارد، ولی در این حدیث به چهار امام علیهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق باطنی آیه به شمار می‌رود.

۲-۳. مصدق آیه در گذر زمان (جري و تطبيق)

در برخی از احادیث به مصاديق زمان نزول که آیات ناظر به آنها بوده، ظهر و تنزیل گفته شده و به مصاديق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصدق‌ها (اسباب و شائون نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن مصدق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۱۱) یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در حرکت است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۱۱) همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵) نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است که: «در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند چنان‌که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی‌بن‌ابی طالب است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص. ۱۵)

در این روایات، تأویل قرآن به مصادیقی توصیف شده که فراتر از سبب و شائون نزول آیات می‌باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «صدق‌ایه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جري و تطبيق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شده است، بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند. در اینجا روایتی را که در متن آنها به تأویل بودن مصدق‌ایه در گذر زمان تصریح

شده است، نقل می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام درباره آیه: و إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ افْتَتَلُوا فَأَصْبِلُحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعْثَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتَلُوا الَّتِي تَبَغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْبِلُحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ (حجرات: ۹) می‌فرماید: «تاویل این آیه در حادثه بصره تحقق یافت و آنان اهل این آیه بودند که بر امیرالمؤمنین علیه السلام شوریدند، پس بر آن حضرت لازم بود که با آنان بجنگد تا به امر الهی گردن نهند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۲۹) در این حدیث، عبارت «فَإِنْ بَعْثَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى» بر اصحاب جمل و عبارت «فَقَاتَلُوا الَّتِي تَبَغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش تاویل شده است که به عنوان یکی از مصاديق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌روند.

در روایات تفسیری سوره توبه، مواردی از مصاديق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) مشاهده شد که بر امیرالمؤمنین علیه السلام تاویل شده است که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک: از امام سجاد علیه السلام درباره آیه: و إِنْ تَكُثُرَا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتَلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يَأْمَنُونَ لَهُمْ لَعْنَهُمْ يَنْتَهُونَ (توبه: ۱۲) روایت شده که فرمود: «فَإِنَّهَا نَرَأَتِ فِي أَصْحَابِ الْجَحْمِ، وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَوْمَ الْجَحْمِ: وَ اللَّهِ مَا قَاتَلَ هَذِهِ الْفِتَّةَ النَّاكِثَةَ إِلَّا بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، يَقُولُ اللَّهُ: وَ إِنْ تَكُثُرَا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتَلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يَأْمَنُونَ لَهُمْ لَعْنَهُمْ يَنْتَهُونَ» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۸۳)

عبارت «فَقَاتَلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ» در آیه ۱۲ توبه خطاب به پیامبر و مسلمانان است تا در صورت پیمانشکنی کفار با پیشوایان کفر پیکار کنند (در: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۳۰۴؛؟) اما در حدیث یک تا نه، الغای خصوصیت شده و بر پیکار امام امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحاب جمل به خاطر پیمانشکنی آنان تطبیق شده است؛ بنابراین تاویل در این روایت از نوع مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می‌باشد.

دو: امام علی علیه السلام پس از جنگ جمل خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! وَ اللَّهُ مَا قَاتَلَتُ هُؤُلَاءِ بِالْأَمْسِ إِلَّا بِآيَةٍ (مِنْ كِتَابِ اللَّهِ) تَرَكْتُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ. إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُعْمَلُونَ»

(عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۸)

سه: وقتی که جنگ جمل درگرفت، امام علی علیه السلام آیه «وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ» را قرائت کرد و فرمود: «مَا قُوْتِلَ أَهْلُهَا مُنْذُ يَوْمِ نَزَّلَتْ حَتَّىٰ كَانَ الْيَوْمُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۹)

چهار: همان مضمون کلام یادشده امام علی علیه السلام به نقل ابن حیون چنین است: «فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُعْمَلُونَ هُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا زُمِيَ أَهْلُنَّ هَذِهِ الْآيَةِ سِسْتَهِمْ قَبْلَ الْيَوْمِ». (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۸۹)

پنج: به نقل دیگر، کلام حضرتش چنین است: «وَ اللَّهُ مَا زُمِيَ أَهْلُنَّ هَذِهِ الْآيَةِ بِكَيْنَاهَةَ قَبْلَ الْيَوْمِ: فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُعْمَلُونَ هُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۸)

شش: امام علی علیه السلام خروج طلحه و زبیر برای جنگ فرمود: «عَذَّبِرِي مِنْ طَلْحَةَ وَ الزُّبِيرِ، بَايَعَنِي طَائِعِينَ عَيْرَ مُكْرَهِينَ، ثُمَّ نَكَثَ بِيَعْتَى مِنْ عَيْرَ حَدَّثِ، ثُمَّ تَلَأَ هَذِهِ الْآيَةُ: وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُعْمَلُونَ هُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (مفید، ۱۴۱۳: [۱]: ص ۷۳)

هفت: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «عَذَّرَنِي اللَّهُ مِنْ طَلْحَةَ وَ الزُّبِيرِ، بَايَعَنِي طَائِعِينَ عَيْرَ مُكْرَهِينَ، ثُمَّ نَكَثَ بِيَعْتَى مِنْ عَيْرَ حَدَّثِهِ. وَ اللَّهُ مَا قُوْتِلَ أَهْلُنَّ هَذِهِ الْآيَةِ مُنْذُ نَزَّلَتْ حَتَّىٰ قَاتَلُهُمْ: وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُعْمَلُونَ هُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۹)

هشت: امام علی علیه السلام در جنگ جمل با خواندن همین آیه سوگند یاد کرد و فرمود: «أَنَّهُ مَا قُوْتِلَ عَلَيْهَا مُنْذُ نَزَّلَتْ حَتَّىٰ الْيَوْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ص ۱۹۰)

نه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «دَخَلَ عَلَىٰ أَنَّاسٍ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، فَسَأَلْوَنَى

عْن طَلْحَةٍ وَ الزُّبَيْرِ. فَقَالُوا لَهُمْ: كَانَا إِمَامَيْنِ مِنْ أَئِمَّةِ الْكُفَّارِ. إِنَّ عَلَيْنَا مُلْثِلاً يَوْمَ الْبَصْرَةِ لَمَّا صَفَّ الْخَيْولَ، قَالَ لِأَصْحَابِهِ: لَا تَعْجَلُوا عَلَى الْقَوْمِ حَتَّى أُعْذِرَ فِي مَا بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنُهُمْ. فَقَامَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ! هَلْ تَجْعَلُونَ عَلَى جَوْرًا فِي حُكْمٍ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَجِيفَافًا فِي قَسْمٍ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَرَعْبَةً فِي دُنْيَا أَصْبَهْنَا لَيْ وَ لَا هَلْ بَيْتَنِي دُونَكُمْ فَنَكَشْتُمْ عَلَى بَيْعَتِي؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَأَفَقَمْتُ فِيْكُمُ الْحُدُودَ وَ عَطَلْنَاهَا عَنْ عَيْنِكُمْ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَمَا بَالْبَيْعَتِي ثَنَكْتُ وَ بَيْعَةَ عَيْرِي لَثَنَكْتُ؟ إِنِّي ضَرَبْتُ الْأَمْرَ أَنْفَهُ وَ عَيْنِيهِ وَ لَمْ أَجِدْ إِلَّا الْكُفَّارُ أَوِ السَّيِّفَ. ثُمَّ تَنَّى إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: وَ إِنْ تَكُنُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُمَانُ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ: وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَّ النَّسْمَةَ وَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا لِلرَّشْدِ بِالْبُشْرَى إِنَّهُمْ لَأَصْحَابُ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ مَا قُوِّتُلُوا مُنْذُ نَزَلتُ»

(عياشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۷)

ده: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ، وَ هُوَ يُقَاتِلُ مُعَاوِيَةَ: فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُمَانُ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ - الآية. هُمْ هُؤُلَاءِ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۶۴)

یازده: از ابن عباس چنین روایت شده است که ما به همراه امام علی علیه السلام در جنگ صفين بودیم. در این هنگام دیدم که امیر المؤمنین علیه السلام پیش آمد، درحالی که از شمشیرش خون می چکید و سیمای مبارک چون یک تکه ماه بود و می فرمود: «فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُمَانُ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (سیدرضی، ۱۴۰۶: ص ۷۶)

همان شرحی که در ذیل حدیث «یک» و آیه یاد شده مطرح شد، درباره حدیث شماره ده و یازده نیز صادق است، با این تفاوت که در اینجا مصدق دیگر آیه را جنگ صفين می داند؛ بنابراین تأویل در این روایت از نوع مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می باشد.

دوازده: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: قالَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ]: يا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُمَانُ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ - الآية، ثُمَّ قَالَ: هُؤُلَاءِ

[الْقَوْمُ] هُمْ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ، يَعْنِي أَهْلَ صَفَّيْنَ وَ الْبَصْرَةِ وَ الْحَوَارِجِ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۶۳)

در اینجا جری و تطبیق بر سه گروه (جمل و صفين و نهروان) انجام شده است. سیزده: از امام علی علیه السلام روایت شده که در جنگ صفين برای مردم خطبه خواند و فرمود: «أَنَا مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ، وَ مَعَاوِيَةَ طَلِيقُ بْنِ طَلِيقٍ. وَ اللَّهُ إِنَّا عَلَى الْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ عَلَى الْبَاطِلِ؛ وَ لَا يَتَّمِمُنَّ عَلَيْهِ وَ تَتَّقَرِّفُوا عَنْ حَقِّكُمْ حَتَّى يَعْلَمَ بَاطِلُهُمْ حَقُّكُمْ. قاتلُوكُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ» (توبه: ۱۴) فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا لَيَعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِي عَيْرِكُمْ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۳۱۴)

چهارده: از ابی الأغر تمیمی روایت شده که گوید: روز صفين ایستاده بودم که عباس بن ریعة بن حارت بن عبدالمطلب سراپا مسلح با کلاه خودی بر سر و شمشیری یمانی در دست از کنار من گذشت و یک ضربه با شمشیر به مرد شامی زد و با آن ضربه قفسه‌ی سینه‌اش از هم دریده شد و با گونه به خاک افتاد. عباس در بین مردم بالا رفت و مردم چنان تکبیری گفتند که زمین بدان به لرزه درآمد؛ سپس شنیدم کسی پشت سرم می‌گفت: «قاتلُوكُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِنُهُمْ وَ يَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَسْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ يُلْهِبُ عَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ يَثُوِبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ». (توبه: ۱۵-۱۴) به سوی صدا نگریستم و ناگهان دیدم که او امیر مؤمنان علی علیه السلام است، فرمود: «يَا أَبَابِلَأَغْرِ! مَنْ الْمُبَارِزُ لِعَدُونَا؟ قُلْتُ: هَذَا أَبْنُ شَيْخِكُمْ، الْعَبَاسُ بْنُ رَبِيعَةَ» (عیاشی، ج ۲، ص ۸۱)

عبارت «قاتلُوكُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ» در آیه ۱۴ توبه، و تطبیق آن با صفين در روایت سیزده و چهارده، از نوع مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می‌باشد.

پانزده: امام علی علیه السلام بعد از جنگ نهروان چنین فرمود: «عِبَادَ اللَّهِ! مَا لَكُمْ إِنْ أَمْرَنَّتُكُمْ أَنْ تَنْهُرُوا إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ نَوَابًا وَ بِالذُّلِّ وَ الْهُوانِ مِنَ الْعَرْ حَلَفًا!» (شفیعی، ج ۱، ص ۱۳۹۵)

آیه ۳۸ توبه درباره یاران پیامبر ﷺ در جنگ تبوک است؛ (در: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۴۱۳) که با تطبیق آن بر جنگ نهروان از نوع بیان مصدق آیه در گذر زمان

(جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

شانزده: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «إِنَّ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ بَايَعَانِي ثُمَّ نَفَضَا بَيْعَتِي؛ فَكَانَ نَصْحُهُمَا كَرِدَّهُمَا، فَجَاهَدُهُمَا عَلَى ذَلِكَ حَتَّى جَاءَ الْحُقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۲۹)

عبارت «حتی جاء الحق و ظهر أمر الله و هم کارهون» در آیه ۴۸ توبه در مورد پیروزی پیامبر ﷺ بر توطئه منافقان در جنگ احمد است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۲۹۰)، ولی تطبیق آن در این روایت بر پیروزی امام امیر المؤمنین علیه السلام بر توطئه طلحه و زبیر از نوع بیان مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

هدده: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «وَ الْعَجَبُ مِنْكُمْ وَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَنَّ أَمِيرَكُمْ يَعْصِيَ اللَّهَ وَ هُمْ يُطِيعُونَهُ، وَ أَنَّ أَمِيرَكُمْ يُطِيعُ اللَّهَ وَ أَنْتُمْ تَعْصُوْنَهُ. إِنْ قُلْتُ لَكُمْ: افْرُوا إِلَى عَدُوِّكُمْ، قُلْتُمْ: الْقَرْبَ يَمْنَعُنَا، أَفَقَرْبُونَ عَدُوِّكُمْ لَا يَمْلُؤنَ الْقَرْبَ كَمَا يَحْدُوْنَهُ؟ وَ لَكِنْكُمْ أَشْبَهُمُ قَوْمًا قَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: افْرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَقَالُوا كُبَرُاؤُهُمْ: لَا تَنْهَوْا فِي الْحَرَّ؛ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: قُلْ نَارٌ جَهَنَّمُ أَشَدُ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْعَمُونَ» (تفقی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۳)

عبارت «قُلْ نَارٌ جَهَنَّمُ أَشَدُ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْعَمُونَ» در آیه ۸۱ توبه پاسخ پیامبر ﷺ به منافقان است که گرمای تابستان را بهانه فرار از جهاد کرده بودند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۵۹) که مانند تطبیق‌های روایت گذشته، از نوع بیان مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

هجهده: امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مردم کوفه چنین نوشت: «إِنَّ دَارَ الْمِحْرَةَ تَقْلَعُتْ بِأَهْلِهَا؛ فَانْقَلَعُوا عَنْهَا. فَجَاهَشُتْ جِيشُ الْمُرْجَلِ وَ كَانَتْ فَاعِلَةً يَوْمًا مَا فَعَلْتُ، وَ قَدْ رَكِبَتِ الْمَرْأَةُ الْجَمَلَ وَ نَبَحَتْهَا كِلَابُ الْحَوَّابِ. وَ قَامَتِ الْمُقْتَنَةُ الْبَاغِيَةُ يَقُوْدُهَا رِجَالٌ، يَطْلُبُونَ بِدِيمٍ هُمْ سَقَكُوهُ وَ عِرْضٍ هُمْ شَمَوْهُ وَ حُرْمَةٍ هُمْ انتَهَكُوهَا وَ أَبَاخُوا مَا أَبَاخُوا، يَعْتَذِرُونَ إِلَى النَّاسِ دُونَ اللَّهِ؛ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ إِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضِي عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مفید، ۱۴۱۳: [۲]: ص ۲۵۹)

در این روایت، تطبیق مفاد آیه ۹۶ توبه که درباره منافقان است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۶۳) بر مسیبان جنگ جمل، از نوع بیان مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

نوزده: از امام علی عَلِيٌّ درباره آیه: أَفَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا حُرُوفٍ هَارِ فَأَخْمَارٍ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ (توبه: ۱۰۹) روایت شده که فرمود: «أَلَا وَ قَدْ سَبَقْنِي إِلَى هَذَا الْأَمْرِ مَنْ لَمْ أُشْرِكْهُ فِيهِ، وَ مَنْ لَمْ أَهْبَطْ لَهُ، وَ مَنْ لَيْسَتْ لَهُ مِنْهُ تَوْبَةٌ إِلَّا بِنَيْتِ، أَلَا وَ لَا تَبَيَّنَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ، أَشْرَفَ مِنْهُ عَلَى شَفَا حُرُوفٍ هَارِ فَأَخْمَارٍ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۱۷۱)

عبارت «منْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا حُرُوفٍ هَارِ فَأَخْمَارٍ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» در آیه ۱۰۹ توبه، مطلق است و هر منافقی را شامل می‌شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۹۱) ولی تطبیق آن در روایت فوق به غاصب حق امام علی عَلِيٌّ از نوع بیان مصدق اطلاق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

بیست: از امام علی عَلِيٌّ روایت شده که فرمود: «وَ قَدْ كَانَ لِي حَقٌّ حَارَّةٌ دُونِي مِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ، وَ لَمْ أَكُنْ أُشْرِكْهُ فِيهِ. وَ لَا تَوْبَةٌ لَهُ إِلَّا بِكِتَابٍ مُتَّلِّأً أَوْ بِرَسُولٍ مُرْسَلٍ. وَ أَتَى لَهُ بِالرِّسَالَةِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَ لَا تَبَيَّنَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ؟ فَأَتَى يَتُوبُ وَ هُوَ فِي بَرْزَخِ الْقِيَامَةِ، عَرَّيْهُ الْأَمَانِيُّ وَ عَرَّهُ بِاللَّهِ الْعَرَوْرُ. وَ قَدْ أَشْفَى عَلَى حُرُوفٍ هَارِ فَأَخْمَارٍ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۲۵۵)

همان توضیحی که درباره حدیث قبل مطرح شد، درباره این حدیث نیز جاری است.

۴-۲. مصدق اتم اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این

گونه از آیات نقل می‌شود، به بیان مصدق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. همچنین گاهی اوقات از برخی مصاديق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصدق اتم و اکمل نام برده شده است. در برخی از این روایات، ضمن بیان این نوع از مصاديق آیات، تصریح شده است که این مصاديق در زمرة تأویل آیه به شمار می‌آیند؛ مثلاً از امام صادق علیه السلام درباره آیه: وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصِلَ (رعد: ۲۱) روایت شده که فرمود: «از جمله پیوندهای مورد نظر آیه، صله رحم است و تأویل نهایی و اتم آن، پیوند تو با ما است.» (عياشی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۲۰۸) روشن است که عبارت «ما أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصِلَ» در آیه یادشده، مطلق است، ولی در این روایت از پیوند با ائمه علیهم السلام که مصدق اتم اطلاق آیه می‌باشد، به عنوان تأویل نهایی آن یاد شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز از این گونه تأویل در مورد امام امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد که به نقل آنها می‌پردازیم.

یک: از رسول خدا علیه السلام درباره آیه: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ حَنَّاتٍ بَخْرَى مِنْ حَتَّىٰهَا الْأَكْمَارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي حَنَّاتِ عَذْنٍ وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۷۲) روایت شده که فرمود: «كَانَىٰ أَنْظَرُ إِلَى عَلَىٰ [علیه السلام] وَ شِيعَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَرْفَعُونَ عَلَىٰ نُوَقِّي مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ شَبَابٌ مُتَوَحُّونَ مُكَحَّلُونَ، لَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُنْ يَخْرُنُونَ، فَدْ أَيْدُوا بِرِضْوَانِ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرِ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۷، ص ۱۶۷)

عبارت «الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» در آیه ۷۲ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت به امام علیه السلام و شیعیانش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

دو: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: وَ السَّائِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ

ابَّعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعْدَّ لَهُمْ حَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَكْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۰۰) روایت شده که فرمود: «إِنَّهَا نَزَّلَتْ فِي عَلَيْهِ الْمِائِذَةِ وَمَنْ تَبَعَهُ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، وَأَعْدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَكْهَارُ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (بحراتی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۸۳۳)

۱۴۳

عبارت «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» در آیه ۱۰۰ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه کسانی که سبقت در ایمان دارند را در بر می‌گیرد؛ ولی در روایت فوق به امام علی علیله و کسانی که از او پیروی کنند، تأویل شده است؛ لذا تأویل در حدیث شماره دو تا شش، از نوع بیان مصدق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

سه: از ابن عباس چنین روایت شده است: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ نَزَّلْتُ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ، سَبَقَ النَّاسَ كُلُّهُمْ بِإِيمَانٍ، وَصَلَّى الْقَبْلَتَيْنِ وَبَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۸)

چهار: از علی بن ابراهیم قمی چنین روایت شده است: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَهُمُ النُّقَبَاءُ: أَبُوذْرَ وَالْمِقْدَادُ وَسَلْمَانُ وَعَمَّازُ، وَمَنْ آمَنَ وَصَدَقَ وَتَبَّتْ عَلَى وَلَائِيةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۳)

پنج: از ابن عباس درباره آیه: السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ چنین روایت شده است: «عَلَيْهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ، وَحُمَّةً وَعَمَّازً وَأَبُوذْرَ وَسَلْمَانً وَمِقْدَادً» (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۳۵)

شش: از ابن عباس درباره آیه: السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ چنین روایت شده است: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ وَسَلْمَانً» (ابوالی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۲۰)

هفت: از امام باقر علیله روایت شده که فرمود: «عَنِّي يَقُولُهُ تَعَالَى: وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، عَلَيْهِ عَلَيْهِ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۰۰)

عبارت «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» در آیه ۱۰۰ توبه، مطلق است و همه کسانی را که به نیکی از مهاجرین و انصار پیروی کردند در بر می‌گیرد، ولی در روایت فوق به

امام علی عائیل تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق اتم اطلاق آیه به شمار می‌رود.

هشت: از امام صادق عائیل روایت شده که فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُوْثُ أَوْ كَافِرٍ يُوضَعُ فِي قَبْرِهِ حَتَّىٰ يُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ، وَ هَلْمَ حِرَّاً إِلَىٰ آخِرِ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ. فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ قُلْ اعْمَلُوا فَسِيرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۱۰۵)» (قمی، ج ۱، ص ۳۰۴: ۱۳۶۳)

واژه «المُؤْمِنُونَ» در آیه ۱۰۵ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۷۸) ولی در این روایت و روایت بعدی به پیغمبر اکرم علیه السلام، امیر المؤمنین عائیل و ائمه عائیل تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

نه: از امام صادق عائیل درباره آیه مذکور روایت شده که فرمود: «هُوَ وَ اللَّهُ عَلَيْهِ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۰)

ده: امام هادی عائیل در روز عید غدیر با این عبارات، امام علی عائیل را زیارت کرد: «أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ، الَّذِينَ تَاجَرُتِمُ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ أَجْنَهَنَّ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَيَقْتُلُونَ وَ يُتَقْتَلُونَ، وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًا فِي التَّوْرَاةِ وَ الْإِنجِيلِ وَ الْقُرْآنِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِعِهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؛ فَاسْتَبِرُوا بِيَعْكُمُ الَّذِي بِأَعْتَمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْقَوْرُ الْعَظِيمُ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُكْمِ اللَّهِ وَ بَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۲۶۵)

واژه «المُؤْمِنُونَ» در آیه ۱۱۱ و ۱۱۲ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت به امام علی عائیل و عموم برادرش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

یازده: از رسول خدا درباره صادقین در باره آیه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** (توبه: ۱۱۹) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «**هُنْمَ عَلَىٰ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحَسِينَ وَ ذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**» (بحراتی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۸۶۵)

وازه «الصادقین» در آیه ۱۱۹ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه صادقان را در بر می‌گیرد؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۴۰۲) ولی در روایت یازده تا بیست به امام علی علیله و نسل پاکش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصدق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

دوازده: از ابن عباس درباره آیه ۱۱۹ توبه چنین روایت شده است: «**نَزَّلْتُ فِي أَمْيَرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلِيًّا وَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَاصَّةً**» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۴)

سیزده: از امام علی علیله روایت شده که فرمود: «**أَنْشَدْنَاكُمُ اللَّهُ، أَنْعَلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ**: با ایها الّذین آمّنوا اتّقّوا اللّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ، فَقَالَ سَلْمَانُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَامَةُ هَذَا أَمْ حَاصَّةٌ؟ قَالَ: أَمَّا الْمَأْمُورُونَ، فَعَامَةُ الْمُؤْمِنِينَ أُمِرُوا بِذَلِكَ؛ وَ أَمَّا الصَّادِقُونَ فَخَاصَّةٌ لِأَخْنَى عَلَىٰ وَ أَوْصِيائِي مِنْ بَعْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (هلالی، ۱۴۰۵: ص ۶۴۶)

چهارده: از امام علی علیله درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «**فَتَخْنُ وَ اللَّهُ الصَّادِقُونَ**» (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۰۶)

پانزده: از امام باقر علیله روایت شده که فرمود: «**أَوْلَيَاءُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحَسِينُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسِينِ، ثُمَّ اتَّهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا، ثُمَّ أَبْنَى حَعْفَرَ - وَ أَوْمَأَ إِلَى جَعْفَرٍ وَ هُوَ جَالِسٌ - فَمَنْ وَالَّى هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَالَّى أَوْلَيَاءَ اللَّهِ وَ كَانَ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمْرَهُ اللَّهُ**» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۱۶)

شانزده: از امام صادق علیله درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «**مُحَمَّدٌ عَلِيُّ بْنُ الْحَسِينِ، وَ عَلِيٌّ عَلِيًّا**» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۶۳)

هدده: از امام باقر علیله درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «**مَعَ عَلِيٰ بْنِ**

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الْكِتَابُ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۳)

هجدہ: از امام علی علیہ السلام روایت شده که فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، أَنَا ذَلِكَ الصَّادِقُ» (صدق، ۱۴۰۳: ص ۵۸)

نوزده: هنگامی که آیه: اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه: ۱۱۹) نازل شد؛ رسول خدا ﷺ رو به اصحابش کرد و فرمود: «أَتَدْرُونَ فِي مَنْ تَرَكْتُ هَذِهِ الْآيَةَ؟ قَالُوا: لَا وَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا نَدْرِي. فَقَالَ أَبُو دُجَانَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كُلُّنَا مِنَ الصَّادِقِينَ قَدْ آمَنَّا بِكَ وَ صَدَقْنَاكَ. قَالَ: لَا يَا أَبَدُجَانَةَ، هَذِهِ تَرَكْتُ فِي ابْنِ عَمِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَاصَّةً دُونَ النَّاسِ، وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۴)

بیست: از ابن عباس درباره آیه مورد بحث چنین روایت شده است: «مَعَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ الْكِتَابُ وَ أَصْحَابِهِ» [مراد از مَعَ الصَّادِقِينَ این است که] با علی علیہ السلام و اصحابش باشید.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۳)

۲-۵. تحقق مفاد آیه

در برخی از آیات و روایات، تحقق و تجسم عینی مفاد آیه، تأویل آن آیه نامیده شده است. به دیگر سخن، در برخی آیات، خبرها و وعد و وعیدهایی داده شده است که در زمان نزول آیه، مصدق بالفعل نداشتند و آن اخبار در آینده محقق خواهند شد. به مصادیق این خبرها و وعد و وعیدها که در آینده تحقق می‌یابند، اطلاق تأویل قرآن شده است.

در آیات زیر، کلمه تأویل به حسب نظر مشهور، در مورد قرآن به کار رفته و ظاهراً مراد از آن همان مصدق عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم و اخبارهای آن از جهان آخرت است.

الف. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلِهِ فَلَمْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلَّ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُونَا لَنَا أَوْ نُرْدُ فَيَعْمَلُ عَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ ضَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (اعراف: ۵۳). اظہر آن است که مراد از تأویل قرآن در این آیه کریمه، همان مصدق خارجی و تجسم عینی خبرها و وعد و وعیدهایی است که قرآن کریم در زمینه آخرت بیان داشته و ماهیت آنها در این جهان برای انسان پنهان است.

(ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۵۷)

ب. بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يَحِيطُوا بِعِلْمٍ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (یونس: ۳۹). در این آیه، ظاهرًا ضمیر «تأویله» به «ما لم يحيطوا» بر می‌گردد. به نظر می‌رسد. با توجه به «ما يأتمم تأویله» اظہر در تفسیر «ما لم يحيطوا» همان تفسیر به وعد و وعیدها و اخبار قرآن از آخرت، بهشت و جهنم است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۶۷) در نتیجه، معنای تأویل در این آیه نیز همان معنایی است که در آیه گذشته بیان شد. یعنی مراد از آن، مصدق خارجی و حقیقت عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای غیبی آن نسبت به عالم آخرت است؛ زیرا کلمه «اتيان تأویل» مناسب با چنین معنایی است.

در برخی از روایات نیز به صراحت از تحقق مفاد آیه به عنوان تأویل آن یادشده است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام درباره آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحُقْقِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلَّهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳) روایت شده که فرمود: «به خدا سوگند! تأویل این آیه محقق نخواهد شد تا زمانی که قائم علیه ظهور کند.» (صدق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۰) آیه مذکور از چیرگی و غلبه دین حق بر همه ادیان خبر می‌دهد و در این روایت از تحقق مفاد آیه هنگام ظهور امام زمان علیه به عنوان تأویل آیه، یاد شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز از این نوع تأویل در مورد امام امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد که در ادامه آن را ذکر می‌کنیم. در روایتی چنین آمده است: «وَ إِمَّا قَضَى عَنْهُ الدَّيْنَ، دَيْنُ اللَّهِ الَّذِي هُوَ أَعَظَمُ، وَ ذَلِكَ

ما كان افتخرة الله عليه، فقضى عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قبل أن يقضيه و أوصى عليه بقضائه عنه، و ذلك قوله تعالى: يا أيها النبى جاهد الكفار و المنافقين (توبه: ۷۳). فجاهد الكفار في حياته، و أمره عليه بمحاداة المنافقين بعد وفاته. فجاهد الناكثين و القاسطين و المارقين، و قضى بذلك دين رسول الله عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، الذي كان لربه عيشه» (مجلسی، ج ۳۸، ص ۱۴۰۳: ۷۴)

در این روایت، تحقق جهاد با منافقان را در دوران امام علی عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دانسته است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان تحقق مفاد آیه به شمار می‌رود.

نتیجه گیری

از مجموع ۵۹ روایت تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ این نتیجه حاصل شد که در این روایات، پنج نوع تأویل وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۸ روایت)، مصدق باطنی آیه (۱۰ روایت)، مصدق آیه در گذر زمان (۲۰ روایت)، مصدق اطلاق یا عموم آیه (۲۰ روایت) و تحقق مفاد آیه (۱ روایت).

منابع

قرآن کریم

ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵ق.

ابن شهرآشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار مازاد من كتاب اليقين، قم، مؤسسه دار الكتاب، ۱۴۱۳ق.

--، کشف الحجة لثمرة المحة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵.

ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۱۰ق.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

ابن منظور، محمد، لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة، تبریز، ۱۳۸۱ق.

ازهري، محمد بن احمد، معجم تهذیب اللغة، بيروت، دار الكتاب العربي، بي.تا.

اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود، پژوهشی در محکم و متشابه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان في تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۴۱۵ق.

- برقی، احمدبن محمدبن خالد، المحسن، قم، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
- تفقی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۸ق.
- حسکانی، عبیداللهبن عبدالله، شواهدالتزیل لقواعدالتفضیل، تهران، مجتمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- حمیری، عبداللهبن جعفر، قربالإسناد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
- دلیمی، حسنبن محمد، إرشادالقلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهانی، حسینبن محمد، المفردات، قم، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- سیددریضی، محمدبن حسین، خصائصالائمه [خصائص امیر المؤمنین [علیهم السلام]], مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
- شاکر، محمدکاظم، روشهای تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶.
- ، مبانی و روش های تفسیر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- صدقوقی، محمدبن علی، عيون أخبارالرضا [علیهم السلام]، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ، کمال الدین و قم والنعمة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- صفار، محمدبن حسن، بصائرالدرجات، قم، مکتبة آیة الله المرعشی التحفی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضلبن حسن، مجمعالبيان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمدبن حسن، الغیة، قم، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- عاملی نباتی، علیبن محمد، الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم، نجف، المکتبة الجیدریة، ۱۳۸۴ق.
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیرالعیاشی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
- فراهیدی، خلیلبن احمد، ترتیب کتابالعين، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- فیروزآبادی، مجیدالدین، بصائر ذوى التميیز فی لطائف الكتابالعزیز، بیروت، المکتبه العلمیه، بیتا.
- قمری، علیبن ابراهیم، تفسیرالقمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- کوفی، فراتبن ابراهیم، تفسیر فراتالکوفی، تهران، مؤسسهالطبع وزارةالثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
- مجلسی، محمدباقربن محمدتقی، بحارالأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمدبن محمد، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [۱].
- ، الجمل و النصرة لسیدالعترة فی حرب البصرة، قم، ۱۴۱۳ق [۲].
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
- نصرین مراجم، وقعة صفين، قم، مکتبة آیة الله المرعشی التحفی، ۱۴۰۴ق.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیة للنعمانی، تهران، نشر صدقوقی، ۱۳۹۷ق.
- هلالی، سلیمبن قیس، کتاب سلیمبن قیس الهلالی، قم، الہادی، ۱۴۰۵ق.